



19 آگست 2018

داکتر سید عبدالله کاظم

مجموعه ارشادات و بیانات شاه امان الله غازی

حین لویه جرگه 1303

به مناسبت نود و نهمین سالگرد استقلال کشور

(قسمت سوم)

نظریات و مشاورت لویه جرگه در مسایل خارجی

روز شنبه ۲۸ سرطان بعد از ظهر و ادامه آن بروز یکشنبه ۲۹ سرطان قبل از ظهر در اجندای مباحثات لویه جرگه نخست موضوع معاهدات افغانستان با کشور های خارجی از جمله معاهده با روسیه، ایتالیا، انگلیس، ترکیه، ایران، فرانسه، آلمان، بلجیک و جاپان مورد بحث قرار گرفت که معاهدات مذکور قبلاً طی چهار سال گذشته با آن کشورها عقد گردیده بودند و اما برطبق "نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان" (اولین قانون اساسی کشور) لازم بود تا این معاهدات از طرف لویه جرگه تأیید و تصدیق گردند. بحث بر معاهدات مذکور به خوبی پیشرفت و مورد تأیید و تصدیق لویه جرگه بطور کل قرار گرفت. اما موضوع معاهده افغان - ترکیه به دلیل تحول مهم در آن کشور که با رسیدن مصطفی کمال "اتا ترک" بقدرت و اضمحلال خلافت دیرینه عثمانی توأم بود، بحث ها بطول انجامید و چون موضوع آینده خلافت اسلامی مطرح بود، وکلای لویه جرگه انتقال آنرا بیک کشور دیگر اسلامی که از هر نگاه مستحق باشد، از جمله افغانستان مطرح ساختند و اعلیحضرت نظر خود را به تفصیل در این باره ابراز داشت که اینک توجه را به قسمت های مربوط به بیانات شان در زمینه جلب میدارم:

معاهده افغانیه با ترکیه

اعلیحضرت در آغاز بحث روی این موضوع فرمودند: «سفارت سیار ما بعد از عقد معاهده انگلستان و افغانستان بانعقاد عهد نامه متحدانه با دولت عثمانیه موفقیت حاصل نموده است. این معاهده نظر بتمام معاهدات افغانستان یک معاهده با شان و شرف بوده، دو کتله عظیم الشان اسلامیان از روی آن با هم در غم و شادی متفق و متحد شده بودند.»

بعد از ختم قرائت عهد نامه و تشریحات مکتوب آقای فخری پادشاه سفیر ترکیه در افغانستان، مولوی محمد ابراهیم کامه برپا خواسته عرض نمود که: «این معاهده نهایت با شرف و سراپا در آن مراعات اصول مقدسه اسلامیه به مقررات اخوت مرعی میباشد، تنها مسئله خلافت که خود ترکیه موجب الغای آن گردیده است، درین معاهده امریست اهم و مسئله ایست قابل بحث ولی تنها این مسئله مهتمم بالشان را که تمام عالم اسلام در آن حق اظهار آراء و افکار شانرا دارند، تنها افغانستان حل و فصل نموده نمیتواند. باید برای تصفیه مسئله خلافت از هند و سند، مصر و الجزائر، تونس و مراکش، عرب و شامات و عراق و دیگر نقاط لازمه اسلامیه نیز علمای جید با افغانستان مدعو شوند و یا علمای

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

افغانستان بهر موضعی که علمای جهان آنرا تخصیص فرمایند، رفته تا با آراء متفقه این مسئله مهمه را فیصله نمایند.»

اعلیحضرت: «به اندازه افکار من و حضرت مولانا اتحاد دارد که اگر من خیالاتم را در خاتمه مبحث درین مسئله بیان نمایم همانا سامعین و هم [واهمه] خواهند کرد که ضرور من با این ملا صاحب قبلاً درین امر مذاکرات و سرگوشی نموده باشم.»

اعلیحضرت (در مورد ابراز نظر وزیر مالیه که به نحوی بر اجراءات و نقش خلافت عثمانی نظر انتقادی داشت) **فرمودند:** «وزیر صاحب من درین نظریه با شما متفق نمیباشم و گاهی طرفدار این مسئله خود را نمی پندارم که خلافت عظمی برای اسلام در ازمنه سابق کاری ننموده است و مسلمانان جهان در مواقع لاحق با ترکیه حق همدردی را ایفاء نکرده اند. آیا به لکها روپیه اعانه از افغانستان و هندوستان و دیگر حصص جهان در مواقع مداخله ترکیه در محاربه عمومیه ارسال گشت، از کدام رهگذر بود؟ و جزع و قرع و وایلی و احتجاجاتی که بر علیه متحدین از هر گوشه و کنار ممالک اسلامی برداشته شد، علتش چه بود؟ مخصوصاً درینموقعی که یک رقم کشیدگی بعد از نا کامیابی مجلس نخستین لوزان در بین اتحادیون و کمالیون [مقصد طرفداران اتاترک است] بوقوع پیوست، افغانستان حق اسلامیت و اخوت را به اندازه با ترکیه بجا آورده است که اگر انگریز حسب خواهش ترکیه بر طبق آمال عموم طبقات اسلامی دوباره سلسله چنان مصالحه با ترکیه نمیگشت و میدان مجادله را با ترکیه ترتیب میداد، علی الفور افغانستان نیز با انگریز در سرتاسر سرحدات خویش که پیشتر از (۶۰۰) میل است، دست بگریبان میشد. بهر تقدیر خدمتی را که ما با برادران اسلامی ترکیه خود کرده ایم ما بر آنها احسان نمیگذاریم زیرا ما مقررات دینی خویش را تعمیل نموده ایم.»

اعلیحضرت (در ادامه سخنان خود فرمودند): «تا حال حسیات خودم را نسبت بخلافت عظمی و ترکیه ضبط نمودم. اکنون خواهشمندم که محض جهت استحضار تان حقایق را بی پرده برایتان بگویم. خلافتی را که تا هنوز ملت دور دست ما تعریف میکردند، حقیقتی ندارد. در واقع خلافت برای منفعت اسلام تا هنوز کار ننموده است فقط خلافت درین قرون اخیره آله دست خلفاء بوده است و بس. یک عده از ملت و اعضای دولت ما چنانچه همه تان مسبوقید، خلیفه عبدالحمید خان مرحوم را چنان میشناختند که تمام روز در امورات دولت و مهمات شریعت و کارهای سلطنت بذل مقدرت نموده شبانگاه از بوریا باقی قوت و معاش خود را استحصال میداشت و او را از افراد نهایت مؤثق و مقدس عقیده داشته افعال و اعمال او را مساوی به صحابه کرام می نگاشتند. از جمله قصص مشهوره که نسبت به سلطان عبدالحمید خان مرحوم در افغانستان سرانیده میشد، حکایه بنای مسجدیست که برای نهادن سنگ تهاداب آن شخصی را خواهش نمودند که در تمام عمر از وی نماز تهجد فوت نشده باشد. هر چند تجسس بکار رفت سودی نبخشید. بالاخره خود سلطان وضع بنیاد آن مسجد را گذاشته تشکر کرد که از من تا حال تهجد فوت نشده است. حالانکه مسلمانان ترکیه و عموم ارباب خرد عالم اسلام سلطان موصوف را شخصی میپنداشتند عیاش که در استبداد مرتبه اولی را اشغال داشت و پانصد زن را نگهداشت مینمود و هزارها نفر را قتل میکرد! او در ایام سلطنت خود چیزهای را نموده که ذکر آن جگر را میخراشد. شما را بخاطر خواهد بود که ما و شما این مصطفی کمال را در خشک سالی (۱۳۰۰) چقدر یک مرد مقدس تصور داشتیم حتی در حین صلوة استسقاء شمشیربران او را بحضرت کبریاء شفیع بردیم، حالانکه این جناب چون بمقصدش کامیاب و معاهده لوزان را منعقد ساخت، علی الفور با اخراج خلیفه و خاندان آل عثمان پرداخت و او را بطور از مملکت آبائی وی بیرون کشید که موجب افسوس و

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

حسرت عالم اسلام گشته مورد سخریه و استهزاء دشمنان گشتیم. امروز با اینکه خلیفه اسلام بکمال عسرت و افلاس و یکعالم غریت در سوئزرلند اقامه دارد، باز هم حکومت مقامی آنجا وی را محض بدین جرم که صاحب دو عیال است حکم اخراج را از آن مملکت میدهد. از طرف دیگر در عموم اماکن خود اعلان نمودند که جمیع ادیان آزاد است، ستر را از میان برداشتند و بسوی مکاتب دینی و اسلامی توجّهی نمی گمارند. در صحنه تمثیل و تیاتر زنها و مردها پهلو به پهلو مجالست میورزند، هر چه است از قامت ناساز بی اندام ماست. من به آواز بلند میگویم که خلافت بطرز و صورتی که بود و سواء از مفاد رقبه حکمرانی خویش، نقطه نظری بخود نداشت و بدرد و مصائب عالم اسلام نمی پرداخت، (چنانچه در مواقع سه گانه تغلب انگلیسان بر افغانستان هیچ صدا و ندای نداد) و با اجتماع عالم اسلام کوششی بعمل نیورد، هیچ بدرد نمیخورد و بکار نمی افتد و باید هم که خلیفه در امورات دنیوی مسلمانانیکه در تحت حکومتش نباشند طبعاً و عقلاً مداخله نورزد و اگر بنماید آیا ایران، هند، مصر، مراکش، تونس، الجزائر، افغانستان، چین و غیره مسلمانان عالم بلا عذر و ضرر و تکلیف بامثال [فرمانبرداری] اوامرش پرداخته میتوانند؟ نی ابدأ! بخیال عاجزانه ام که درین دوره خلافت بدرد نمیخورد و خلیفه بجز ازاینکه خودش و مملکتش را دوچار مصائب کبری و هدف اسهام اعداء بگرداند، دیگر فائده را به اسلام عائد نخواهد کرد.»

اعلیحضرت در ادامه فرمودند: «قایم باید که ما و شما درین مبحث قبل از وقت مذاکرات ننمائیم و اوقات خود را در آن ضایع نکنیم. این کار کار علما است. باید جمعیة العلماء نخستین وظایف خلافت و متعاقباً فوایدش را با اسلام و تکالیفی را که بر مسلمانان عائد میکند و حقوقی را که مسلمانان بر خلیفه دارند، توضیح دهند. سپس از آن موضع و شخص او را طوری تعیین دارند که موجب نفاق و تفرقه اسلام نشود و جهت حل و فصل آن علمای اعلام عالم اسلام باید باب مذاکرات را مفتوح سازند و چنانچه قبلاً چندی از حضرات بدین مسئله اظهار افکار نمودند باید این وفد از طرف علمای افغانستان و جمعیت لویه جرگه به افغانستان مدعو شوند و درین مراتبه آخرین یکمرتبه دیگر داد اسلامیت و حق شریعت را ایفا نمایند. باقیمانده مسائل سیاسی ما و ترکیه با اینکه فعلاً ترکیه خودش خود را از ما دور کرده میرود و مناسبات در میانی خود را با ما یک رقم درست نشان نمیدهند، باز هم باید ما این کشیدگی جزوی را عائد بملت غیور ترکیه ننمائیم و آنرا بطرف اشخاصیکه فعلاً زمام کار بدست شانست، عائد نکنیم. زیرا که از خرابی یک و یا دو نفر نباید عموم ملت ترکیه چنانچه وزیر معارف گفت، مذمت کنیم. ما را نباید بمقابله بدی آنها با اوشان بدی کنیم، بلکه از حوصله و استقامت کار گرفته مانند سابق مناسبات خود مانرا با اوشان قائم داریم و امید وار باشیم که عمأ قریب پیش از پیش براه صلاح و سداد [خوبی و درستی] رفتار خواهند کرد و ما را از رفتار حسنه و مناسبات اسلامیت کارانه خویش مسرور خواهند داشت. لهذا بخیال اینست که لویه جرگه بتوسط وزارت خارجه، حکومت ترکیه را مطلع سازند که فقره مقتدباها و خلافت را خود شما چون لغو نموده اید، ما هم از آن شما را سبکدوش می پنداریم. مواد بقیه معاهده ما با شما الی دو سال و چند ماه دیگر نیز قابل تعمیل است. بعد از دو سال وزارت خارجه مجدداً دروازه مذاکرات و تجدید معاهده با ترکیه را بکشاید. در باب مسئله خلافت همان است که ما و شما آنرا فیصله کرده نمیتوانیم بلکه آن کار، کار علمای جهان است. هر شخص را که آنها بخواهند بعد از تعیین وظایف و تکالیفش معین خواهند کرد.»

اعلیحضرت (درباره دعوت وفد یا نمایندگان کشورهای اسلامی به افغانستان) **فرمودند:** «بدون ازینکه ما علمای جهانرا دعوت دهیم و از عموم شان لزوم و عدم لزوم خلافت را استفسار نمائیم چه طور بر طبق افکار یکعده از علمای افغانستان فیصله این امر بزرگ را نموده خواهیم توانست. چیزیرا که حضرات علمای

ما نسبت به دعوت نمودن علماء جهان به افغانستان بخاطر دارند، کاملاً درست است. باید علمای ما وفد خلافت را چنانچه اظهار کردند، دعوت دهند و از تکالیف میزبانی و قدردانی آنها مطمئن باشند که حکومت شان هر گونه تسهیلات و تکلیفات آنها را محض خاطر داری علمای افغانستان و عزت و توقیر خلافت عظمی متعهد میشود. (درینجا ذات همایونی با علماء مخاطبه کنان الفاظ مزاح آمیزی را بیان داشته گفتند): چقدر نیکبخت و محبوب القلوب هستید شما علماء که خرچ همقطاران و مهمانان شما را نیز اخلاص مندان تان متحمل میشود.»

علیحضرت (در ادامه بحث) **علاوه کردند:** «بلی! اگر واقعی مسلمانان عالم چنان که گفته میشود، محض باسبم خلیفه را مقرر میداشتند و از معاونت و طرفداری او غفلت میکردند پس این ملت مظلوم اسیر هندوستان چرا باین اندازه پولها به ترکیه میفرستادند و در همه گونه معاونت و طرفداری او میکوشند؟ و چرا همین اعانه و مراعات را با دولت همسایه اسلامی خود مملکت افغانستان نمی نمودند؟ و چرا وفدی را که جمعیت هلال احمر ترکیه جهت جمع آوری اعانه اطفال یتیم و بیوه زنان و بازماندگان شهداء محاربه سمرنا فرستاده بود، بمحض استماع الغای خلافت نا کامیاب فرستادند و ملت افغان از کدام رهگذر اعانه میداد و جشن سرور و محافل دعائیه فتح ترکیه و مجالس تعزیه داری سلاطین معظمه مرحومه ترکیه را قائم میکرد؟ خلص اینکه معاونت و همراهی عالم اسلام بمقام خلافت تا جائیکه امکان پذیر است، در همه وقت ظاهر و باهر و قابل تقدیر است و وجود خلافت در همه حالت از عدمش اولی [اولتر] است و در شرافت، نجابت و فداکاری ملت ترکیه جای شبهه نیست. افغانستان ضرور این معاهده اش را که با ترک دارد تا زمانیکه خود ترکیه خواهش تبدیل و تغیر او را نکند، بر حال خودش بگذارد و در مسئله خلافت نیز تا بتواند فداکاری و جذبات اسلامی خود را اظهار دارد و همین وفد خلافت را حتماً در افغانستان دعوت دهند که آنها در تعیین حقوق واردات و مخارجات و وظایف خلیفه بحث و مذاکره نموده با اتفاق عموم اسلام، شخصی را که علماء قابل "خلافت" بدانند، مشخص دارند و الا اگر ما طبق مقوله بعضی علمای خود تن تنها بدون صلاح و صوابدید علماء احدی را خلیفه مقرر داریم مانند شریف مکه خلیفه معینه ما هم بیک سر و دوگوش در میدان خواهد ماند...»

«ما فقط بغرض اظهار خلوصیت و عقیدت خودمان بمقام خلافت، عزت و توقیر [وقار بخشیدن] علمای اسلامی وفد خلافت را در مملکت مستقله اسلامی افغانی خویش دعوت میدهیم. اگر اوشان دعوت مارا نشنیدند و موضع مذاکرات را بدیگر نقاط اسلامی معین داشتند البته که هیئت علمای ما بسروچشم بغرض شمولیت آن مجلس مبارک اعزام خواهند یافت.»

علیحضرت: معلوم شد که عموماً شما طرفدار بر حال ماندن معاهده موجوده افغانیه و ترکیه اید و در خواستن وفد خلافت به افغانستان کاملاً متفقید و اشخاصیکه مخالف بودند، در بحث قانع شدند.»

پس از پایان مباحثات در باره معاهدات با هریک از کشورهای متحابه و تائید و تصدیق آنها از طرف لویه جرگه

علیحضرت فرمودند: «مقصد اینکه معاملات خارجی ما که تا حال نموده بودیم، بحضور شما خوانده شد و از ملاحظه شما کاملاً گذشت و از افکار آرای تان فوائد گرفتیم. اینقدر قطعی بحضور تان عرض کرده میتوانم که مناسبات خارجی ما به فضل خداوند خوب است. اگر چه نسبت به آرزو و خواهشات خودم نهایت کم است از خداوند بیش از بیش خواهانم. من مستحق اینقدر تعریف و توصیف، الفاظ و عباراتی که نسبت بمن گفته میشود، نمیباشم. البته اینقدر معروض میدارم که این عاجز مقصدی به جز از خدمت به اسلام، ملت و وطن در نظر ندارم تا خدا از من رضا شود. بهر تقدیر معاملات خارجی»

حسب مطلوب به طریقه از حد مرغوب که حاجت به مذاکره و مباحثه مزید نیفتاد و مهره های سیاه و سفید * در ما بکار نیاید زیرا که فکر ملت و دولت یکسان بود، خاتمه پذیرفت و هم ساعت پوره شده فی الحال شما تشریف برده به صرف طعام و ادای صلوة پرداخته پس از ساعت (۲) معاملات داخلیه ما آغاز میشود. هر مبحث را از اتفاق آراء شما حضار فیصله خواهیم نمود که در آتیه کدامین طرز عمل را اختیار داریم و چطور اسباب آسایش و رفاه ملت و مملکت خود را پیشبینی نمائیم. مسائل مهمه ما که مناسبات خارجی بود، لله الحمد بخوبی صورت انجام را پذیرفت. در مسائل داخلیه اختیار بدست خود ماست. هر امری را که عموم منظور و پسند نمایند و اساسی برای خویش اتخاذ ورزند، همانا که در اجراء و قبولیت آن مضائقه نخواهد شد و اگر اعتراضاتی نمایند، شنیده میشود و اشکالاتی را که در راه ترقیات خویش بنگرید، آزادانه بگوئید که من برای استماع آن حاضرم.»

(* [رأی گیری به وسیله انداختن مهره های سفید به معنی "موافق" و مهره های سیاه "مخالف" که هرکدام یک یک دانه از هر یک مهره را در اختیار داشت، در یک صندوق بزرگ بطور سری و مستقیم صورت میگرفت و بعد مهره ها حساب می شدند و نظر اکثریت از روی آن معلوم میگردد - کاظم]

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ